عطف

شوخی در کافه

فرهاد عابدینی درحالی‌که معتقد است برگزاری نشست‌های ادبی در کافه‌ها شوخی است، از علت جدی نبودن برگزاری این جلسات در چنین فضاهایی می‌گوید.

این شاعر در گفت‌وگو با ایسنا، درباره برگزاری نشست‌های انجمن‌های ادبی در کافه‌ها بیان کرد: من اصلا برگزاری جلسه ادبی در این فضاها را دوست ندارم. حتی به‌رغم این‌که از ابتدای برگزاری انجمن خودمان مبنا را بر این گذاشتیم که در چنین فضاهایی نشست نگذاریم اما دو جلسه از نشست انجمن‌مان را چون جایی نداشتیم، مجبور شدیم در رستوران برگزار کنیم که جلسه دوم من دیگر نتوانستم آن فضا را تحمل کنم. این فضاها را دوست ندارم چون اصلا جدی نیست.

او ادامه داد: در نشست‌های انجمن‌های ادبی که در فضایی مثل کافه‌ها برگزار می‌شود، این‌طور است که یک طرف عده‌ای نشسته‌اند و شعر نقد می‌کنند و در طرف دیگر صدای «تق‌تق» ریختن چای و هم‌زدنش می‌آید و به عقیده من این اصلا شوخی است. البته قدیم‌ها مثلا نصرت رحمانی می‌رفت و در قهوه‌خانه شعر می‌خواند، اما تنها می‌رفت و ردپایی از خودش می‌گذاشت و می‌آمد. اما برگزاری جلسه ادبی در کافه‌ها جدی نیست و فکر هم نمی‌کنم وقتی جدی نیست بازدهی مفیدی داشته باشد.

رنگ و بوم

پرتره‌های گوگن تماشایی شدند

گالری ملی لندن برای نخستین بار در جهان نمایشگاهی را به پرتره‌ها و خودنگاره‌های پل گوگن اختصاص داده است. این خبر را ایسنا به نقل از آرت‌دیلی، منتشر کرده و نوشته است: این نمایشگاه آثاری را که این هنرمند در زمان حضورش در «برتاین» یکی از استان‌های فرانسه در فاصله سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۳ خلق کرده است، را به نمایش می‌گذارد.

برخی از معروف‌ترین خودنگاره‌های این هنرمند در این نمایشگاه نشان می‌دهند که چطور گوگن برای خلق پرتره‌هایش از شخصیت‌پردازی استفاده می‌کرده است. نحوه استفاده از رنگ‌های غلیظ و اشتیاقش به استفاده از موضوعات غیرغربی بر آثار بسیاری از هنرمندان بزرگ اواخر قرن نوزدهم تا بیستم میلادی همچون آنری ماتیس و پابلو پیکاسو تاثیرگذار بوده است.

این نمایشگاه که در گالری ملی لندن برگزار می‌شود، بیش از ۵۰ اثر از پرتره‌های گوگن را شامل می‌شود که بسیاری از آنها به ندرت به نمایش گذاشته شده‌اند. آثار حاضر در این نمایشگاه از موزه‌های مختلفی چون «موزه ملی هنر غربی»، «گالری ملی هنر» و... جمع‌آوری شده‌اند.

پای دیوار کودکی در پردیس تهران

نمایش عروسکی «پای دیوار کودکی» در پردیس تئاتر تهران به صحنه می‌رود. مهر این خبر را منتشر کرد و نوشت: این نمایش را فهیمه میرزاحسینی کارگردانی می‌کند که سال‌هاست در همین زمینه مشغول به کار است. این نمایش ویژه کودکان پنج تا ده سال است و تا ۹ آبان هر روز ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه همچنین در نوبت صبح ویژه مدارس در تماشاخانه استاد محمد پردیس تئاتر تهران روی صحنه خواهد رفت.

به‌زودی بلوای بهزاد عبدی

بهزاد عبدی که به تازگی از ساخت موسیقی چند فیلم فارغ شده و برای ساخت موسیقی فیلم روز بلوا، به کارگردانی بهروز شعیبی آماده می‌شود، با گروه خنیاگران مهر برای حضور در نمایشگاه جهانی موسیقی وُمِکس در فنلاند تمرین می‌کند. آهنگساز اپراهای عاشورا، مولانا و حافظ همچنین به هنرآنلاین گفته که اپرای «رستم و سهراب» را به‌زودی با یکی از مطرح‌ترین ارکسترهای دنیا ضبط می‌کند.

نویسنده کرد عراقی و برنده جایزه صلح نوبل، تجاوز ترکیه به سوریه را محکوم کرد

زنانی که هنوز می‌میرند

آذر مهاجر

ادبیات و هنر

جنگ‌ها به پایان می‌رسند، ویرانی‌ها دوباره آباد می‌شوند و جهان و انسان به فرداها می‌رسد، اما آنچه می‌ماند صداست؛ صدای آدم‌هایی که دردها را فریاد زده‌اند، اندوه را به تصویر کشیده‌اند، ظلم را به تماشا گذاشته‌اند و از کتاب و کلمه و تصویر و رنگ و روایت بهره گرفته‌اند برای ثبت تاریخ.

و حالا دختر جوانی از طایفه کردهای ایزدی که تجربه‌ای هولناك از گرفتاری در دام داعش را پشت سر گذاشته، بار دیگر فریاد می‌زند و از همه مردم جهان می‌خواهد در مقابل ظلمی که به مردمش روا می‌شود، سکوت نکنند. نادیا مراد، این بار در اینستاگرامش پیامی منتشر و حمله ترکیه به شمال شرقی سوریه را محکوم کرده است.

سال پیش همین روزها بود که نادیا مراد به عنوان برگزیده جایزه صلح نوبل نگاه‌ها را به خاورمیانه معطوف کرد و انتشار کتابش با نام «آخرین دختر» نوری تاباند به تاریکی‌های جهان داعش و جنایاتش. نویسنده جوان طی سه چهار سال اخیر، خاطراتی هولناك و دردآلود از روزهای اسارت در پنجه‌های داعشی‌ها نوشت و منتشر کرد. به سازمان ملل رفت و درباره جنایت‌هایی که در حق غیرنظامیان به خصوص زنان و کودکان صورت می‌گیرد، سخن گفت و هنوز زمان زیادی نگذشته که دوباره آتش به طایفه‌اش افتاده و دردهایش تازه شده است.

> تجاوز ترکیه به شرق سوریه دردناک‌تر می‌شود وقتی که کتاب خاطرات نادیا مراد را خوانده باشیم و جزئیات آنچه داعش و حامیانش در منطقه کرده‌اند را با همه وجود حس کرده‌باشیم

تازه‌ترین پیام نادیا مراد چیست؟

در چند سال گذشته نادیا مراد، سرگرم رسیدگی به مردمش بوده که در مبارزه با داعش آسیب‌های جدی دیده‌اند از همدلی و همدردی با زنان و کودکان گرفته تا اقدام به جلب مشارکت برای ساخت بیمارستان و فراهم آوردن امکانات دیگر. نویسنده جوان چند روز پیش در اینستاگرامش بیانیه‌ای صادر کرده و نوشته است: من حمله اخیر ترکیه به شمال‌شرقی سوریه را محکوم می‌کنم. این عمل به تجدید حیات داعش و سایر گروه‌های رادیکال منجر خواهد شود، بی‌ثباتی بیشتر منطقه را به دنبال خواهد داشت و اقلیت‌های مذهبی در سوریه و عراق باردیگر مورد تهدید گروه‌های رادیکال قرار خواهند گرفت. هزاران کرد جان خود را در نبرد با داعش از دست دادند و به دفاع از خود در برابر داعش در ادامه می‌دهند. رها کردن کردها هم شرم‌آور است و هم خطرناك. زندگی غیرنظامیان از بین رفته و با گسترش جنگ، زنان و کودکان بیشترین رنج را متحمل می‌شوند. این امر به آوارگی و رنج بیشتر افراد بی‌گناه در منطقه می‌انجامد.

اگر خط مقدم مقابله با داعش از بین برود، زندانیان داعش که مرتکب نسل‌کشی شده و زنان و کودکان را به بردگی گرفته‌اند، با تبعات قانونی جنایاتشان مواجه نمی‌شوند. جامعه جهانی مسؤولیت اخلاقی برای ثبات در منطقه دارد. تصمیم ترامپ مبنی بر حمایت حتمی از ترکیه عواقب جدی برای زندگی غیرنظامیان در منطقه خواهد داشت. هنوز فرصت برای رسیدن به یك راه‌حل سیاسی صلح‌آمیز و اطمینان از امنیت همه افراد در منطقه وجود دارد. ما اصرار داریم همه از افرادی که قبلا خانه‌های خود در شمال شرقی سوریه را رها کرده و گریخته‌اند، پشتیبانی کنند.

چرا بیانیه نادیا مراد اهمیت دارد؟

اگر نادیا مراد را به اندازه کافی نمی‌شناسید، حق دارید که درباره حرف‌های او بی‌تفاوت باشید، اما این زن جوان بیشتر از آنچه بتوانید تصور کنید از حضور داعش در منطقه، از دست‌های پشت پرده‌ای که داعش را حمایت کرده و جنگ و خونریزی و کشتار کردها آسیب دیده است.

نادیا از کردهای ایزدی استان موصل در عراق است. سال ۱۹۹۳ در روستای کوجو متولد شده و به همراه خانواده‌اش در این روستا زندگی می‌کرد که داعش محل زندگی او را اشغال کرد و بسیاری از اهالی کوجو از جمله مادر و شش برادر نادیا را به قتل رساند. نادیا به دست نیروهای داعش اسیر شد و اسارتش را به بردگی هولناك جنسی گذراند تا این‌که بالاخره توانست از چنگ داعش فرار کند و خودش را به منطقه امن برساند. نادیا سپس به آلمان منتقل شد و مورد معالجه قرار گرفت. او در مصاحبه‌های تلویزیونی و ملاقات‌های دیپلماتیك بسیاری از جمله در شورای امنیت سازمان ملل شرکت کرد و در سفر به مصر با رئیس جمهور این کشور و احمد الطیب، شیخ الازهر در دسامبر ۲۰۱۵ ملاقات داشت.

نادیا در شبکه‌های مختلف تلویزیونی از جمله شبکه‌های القاهره و البغدادیه داستان ربوده شدنش توسط داعش را توضیح داد. نادیا مراد به کشورهای زیادی سفر کرد و با رؤسای جمهور زیادی دیدار کرد؛ از جمله دونالد ترامپ و جالب این‌که ترامپ هیچ چیز درباره او نمی‌دانست و در حالی که ماجرای چگونگی کشته شدن مادر و برادرانش را توضیح می‌داد و داشت از مشکلات مردمش صحبت می‌کرد، ترامپ از او پرسیده بود که چرا جایزه صلح نوبل را به شما دادند؟

نادیا مراد این روزها برای کمك به زنان و کودکان قربانی سوءاستفاده و قاچاق تلاش می‌کند.

حرف‌های هولناك آخرین دختر

فرقی نمی‌کند چطور جنگی باشد و در کجای دنیا؛ آنچه بر سر زنان و دختران در جنگ‌ها و آشوب‌ها و ناآرامی‌ها می‌آید، هولناك است و آنچه نادیا مراد از تاریکی‌های زندگی پیکارجویان داعشی در کتاب «آخرین دختر» روایت کرده، هولناك‌تر و دردناك‌تر از هر آنچه احتمالا تا امروز درباره جنایات جنگی شنیده یا خوانده‌اید؛ به قدری هولناك که شاید تصورش برای هر کسی مقدور نباشد:

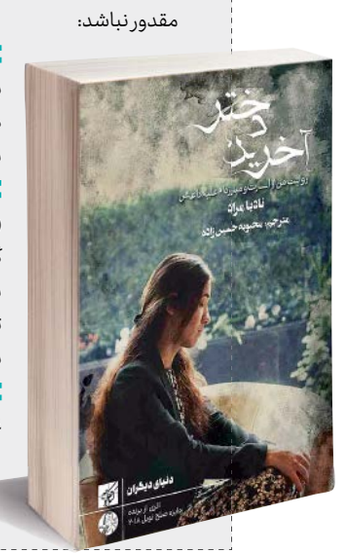

- نامشان داعش بود، آمده بودند ما را به جهنم ببرند و خودشان سر راه به بهشت بروند! دعوتنامه‌شان در دست چپشان بود و با انگشت شهادتین دست راست، آسمان را نشان می‌دادند!
- خدا شاهد بود، ما تفنگ نداشتیم، سرود «خوایه وه‌تـه‌ن» می‌خواندیم! خدا شاهد بود ما گلدان‌ها را آب می‌دادیم، گل‌ها را گل می‌دادیم! خدا شاهد بود آمدند پدرم را به دو قسمت نامساوی تقسیم کردند؛ سرش را برای وطن جا گذاشتند و بدنش را زیر خاك دفن کردند که نفت شود!
- آنها آمدند، آرزوهای من را کشتند، آنها من را غنیمت صدا می‌زدند! آن زمان دیگر نادیا نبودم، آن روز دختری بودم با روحی زخمی که از نفس‌هایم خون می‌چکید، آن روز هیولای ظریفی بودم که با جهان قطع رابطه کرده بودم، در من انسان مرده بود و لاشه‌ای بودم که حتی مومیایی هزار ساله‌اش ارزش نداشت، آن روز مرگی بودم در روحی!
- می‌توانستیم هیاهوی طبقه پایین در حالی که شبه‌نظامیان در حال ثبت‌نام و سازماندهی بودند را بشنویم و وقتی که اولین مرد وارد اتاق شد همه دختران شروع به جیغ زدن کردند.
- همه دختران جوان و حتی کودك را گروه گروه کردند و من به همراه ۱۵۰ زن دیگر به موصل برده شدیم. از همان لحظه، حتی در طول مسیر هم مورد آزار و اذیت قرارمان دادند.
- هرکداممان را چند بار خرید و فروش می‌کردند، بچه‌ها مثل هدیه، دست به دست می‌شدند و ما هم از دست یك گروه متجاوز به دست گروهی دیگر می‌افتادیم.
- بعد از آن زنی می‌مرد، زنی حامله می‌شد، زنی خودکشی می‌کرد، زنی خودسوزی... زنی هزار رکعت نماز جبر می‌خواند! بعد از آن زنانی، از رنج حامله شده بودند، زنانی فقط یك تقویم می‌شناختند: روز اول تجاوز، روزهای بعد از آن عذاب!
- بعد از آن زنان فقط یك آواز می‌خواندند: «ای مرگ کجایی؟ زندگی مرا کشت». بعد از آن زنان تابوت بودند و کودکان در شکمشان مردگان هزارساله! بعد از آن زنان مجسمه‌ای بودند که وسط شهر برای عبرت تاریخ نصب شده بودند!
- آن روز هوا گرم بود، خدا شاهد بود، مردی آمد، من را کشت و باز دعا می‌خواند تا دوباره زنده شوم!
- من در یك زمان، برده ۱۳ مرد بودم و گاهی دست و پایم را می‌بستند و با زنجیر به جایی قفلم می‌کردند و مثل حیوان سرم می‌ریختند و آزارم می‌دادند. گاهی تنم را با ته سیگار می‌سوزاندند و هر وقت می‌فهمیدند قصد فرار دارم، سلمان، سرکرده آنها چند نفر از مردانش را می‌فرستاد سراغم.

کمیته صلح نوبل: او شجاعتی غیرمعمول را در بازگویی رنج‌هایش نشان داده و از جانب دیگر قربانیان سخن گفته است. نادیا مراد یکی از حدود ۳۰۰۰ دختر ایزدی است که قربانی تجاوز و دیگر بدرفتاری‌های نیروهای داعش شده‌اند. این سوءاستفاده کاملا سیستماتیك و بخشی از یك راهبرد جنگی بوده است. آنها مانند سلاحی در نبرد علیه ایزدی‌ها و دیگر اقلیت‌های مذهبی بودند.

نیویورکر: خاطرات هولناك و ویرانگر نادیا مراد از دوران اسارت به دست داعش... او تجربیاتش را با زبانی صریح و روحی مصمم بازگو می‌کند و همدستی شاهدانی را که در جرم و رنج دیگران شریك شدند به پرسش می‌کشد.

واشنگتن‌پست: نویسنده از جنایاتی که خانواده او را ویران و اجتماع آسیب‌پذیرش را نابود کرد، پرده برمی‌دارد. خاطرات او بسیار شجاعانه و گامی مهم در محاکمه کردن کسانی است که آن جرایم وحشتناك را مرتکب شدند.

بوك لیست: کتابی بسیار قدرتمند... سوگنامه‌ای برای از دست‌رفتگان یك اجتماع.

از شاهزاده قجری تا عکس رادیولوژی

شاهزاده‌ای قجری افسون‌شده در ماهیت مدال‌ها و نشان‌ها، مادر و فرزندی ایستاده در خزان با نگاهی به رشته‌های رنگی معلق بر درخت‌ها، مردمانی سرگردان در محیط شهری، زنی ایستاده در کنار عکس رادیولوژی و.... اینها اولین تصاویری است که وقتی این روزها وارد گالری مژده می‌شوید، به چشم می‌آیند. حالا دیگر مدت‌هاست بین نمایشگاه‌هایی که برای تماشا انتخاب می‌کنیم پیدا می‌شوند آثاری که از اتهامِ خودبسندگی و دل‌بستنِ به هنر محض فرار می‌کنند و سعی دارند نگاه اجتماعی هنرمندان را به نمایش بگذارند. هر چند اینجا و در نمایشگاه «سکوت محسوس» نیز، نگاه جامعه‌محور با خیال و حتی طنز راه به دنیای ذهنی هنرمندان برده است.

ماجرا از این قرار است که ۱۵ هنرمند نقاش، آثار خود را در گالری مژده در معرض دید علاقه‌مندان به هنر قرار داده‌اند. شیوه کاری آنها ماهیتی فیگوراتیو دارد. این آثار از پس نگاه هنرمندان باتجربه‌ای خلق شده که جنبه‌های بصری محیط پیرامونی خود را با ماهیتی روانشناختی مقابل مخاطبان قرار داده‌اند. نکته قابل توجه نمایشگاه «سکوت نامحسوس»، شیوه بیانگری این مجموعه آثار است که مخاطب را در تقابل با عنوان نمایشگاه و شیوه بیانگری آثار این هنرمندان قرار می‌دهد. گوناگونی نگاه هنرمندان این نمایشگاه نیز بر جنبه‌های زیباشناختی این مجموعه افزوده تا مخاطب در یك بستر کلی با زاوایای مختلفی از جنبه‌های هنری و شیوه بیانگری آثار روبه‌رو شود.

چطور انتخاب شدند؟

این مجموعه آثار را علی خالق برای گالری مژده گردآوری کرده است. او با انتخاب آثاری از هنرمندان باتجربه و شناخته‌شده، قصد دارد زوایای دید هر هنرمند به محیط پیرامونش را در جهت بازآفرینی معنا و شیوه بیانگری در معرض دید مخاطبان قرار دهد.

علی خالق درباره گردآوری آثار این نمایشگاه می‌گوید: در نمایشگاه سکوت نامحسوس، هنرمندانی را که سال‌ها در زمینه نقاشی فیگوراتیو فعالیت و دغدغه دارند دعوت کردم. برخی از آثار این نمایشگاه کاملا فیگوراتیو هستند و برخی ماهیتی شبیه آبستره دارند. این تضادها در مجموعه، تفاوت قلم هنرمندان و زوایه نگاه آنها را نشان می‌دهد که موضوع بسیار مهمی است. به طور کلی برخوردهای مختلفی با فیگور را در این مجموعه آثار شاهد هستیم؛ به عنوان مثال در آثار علیرضا آدم‌بکان فضای انتزاعی می‌بینیم یا در تابلوی لیلا ویسمه فضای گسترده‌ای را می‌بینیم که لکه‌هایی مانند فیگور انسان در آن حضور دارد.

خالق ادامه می‌دهد: هنرمندان حاضر در این نمایشگاه سال‌هاست به این شیوه کار می‌کنند و همه مخاطبان نیز با فضای کاری آنها آشنا هستند و حالا در کنار هم قرار گرفتن این آثار در یك نمایشگاه به مخاطبان این فرصت را می‌دهد که از وضعیت نقاشی فیگوراتیو و زوایای پنهان بیانگری هنرمندان در قالب آثار خودآگاه شوند.

کجا ببینیم؟

گفتنی است نمایشگاه سکوت نامحسوس آثاری از علیرضا آدم‌بکان، علیرضا چلیپا، بهنام کامرانی، حسین تمجید، لیلا ویسمه، مسعود کشمیری، مهرداد خطایی، مرتضی خسروی، اوژن شیراوژن، سعید احمدزاده، علی خالق، نزار موسوی‌نیا، احسان نصری، داریوش قره‌زاد و حمیده حجار به نشانی سعادت‌آباد، علامه شمالی، خیابان هجدهم شرقی، پلاك ۲۷ میزبان علاقه‌مندان به هنر است.

آگهی مناقصه عمومی

یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی (نوبت اول)

شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران (سهامی خاص)

۱- دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران

۲- موضوع مناقصه: برون سپاری، بهره برداری و نگهداشت شبکه جمع آوری فاضلاب شهر پردیس

۳- مبلغ برآورد اولیه: ۱۰/۴۸۶/۳۲۰/۰۰۰ ریال(ده میلیارد و چهارصد و هشتاد و شش میلیون و سیصد و بیست هزار ریال)

۴- مدت زمان اجراء: ۱۲ ماه

۵- محل تامین اعتبار: از اعتبارات جاری شرکت

۶- مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ۵۲۴/۳۱۶/۰۰۰ ریال (پانصد و بیست و چهار میلیون و سیصد و شانزده هزار ریال) در وجه شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران.

۷- دستگاه نظارت: معاونت بهره برداری شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران

۸- محل اجراء: شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران (شهرستان پردیس)

۹- شرایط شرکت در مناقصه: شرکتهای دارای حداقل رتبه ۴ گواهی صلاحیت بهره برداری و نگهداری از شبکه های جمع آوری فاضلاب از شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور و دارای گواهی صلاحیت ایمنی (HSE)، مجاز به شرکت در مناقصه می باشند.

۱۰- مهلت و محل خرید اسناد: شرکتها میتوانند از آگهی مورخ ۹۸/۰۷/۲۳ لغایت مورخ ۹۸/۰۸/۰۱ نسبت به خرید اسناد از دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران-واقع در رودهن، خیابان پاسداران، شرکت آبفای شرق استان تهران، طبقه همکف اقدام نمایند.

۱۱- هزینه خرید اسناد: ۷۰۰/۰۰۰ (هفتصد هزار) ریال می باشد که باید به حساب جاری شماره ۶۰۶۸۰۰۵۰۱۱/۳۹ شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران نزد بانک سپه شعبه رودهن کد ۶۰۶ واریز و فیش آن ارائه گردد.

۱۲- مهلت تحویل اسناد: پایان وقت اداری مورخ ۹۸/۰۸/۱۸ می باشد.

۱۳- زمان و مکان بازگشایی: پیشنهادهای واصله درساعت ۱۰:۰۰ صبح مورخ ۹۸/۰۸/۱۹ در کمیسیون مناقصه باز و قرائت می شود که مکان آن در اسناد مناقصه قید شده است.

۱۴- نشانی های سایت اینترنتی: (http://iets.mporg.ir) (http://east.tpww.ir) و (http://tender.nww.ir)

شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی

مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت اول)

شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران (سهامی خاص)

شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران در اجرای "قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ و مستندسازی و اطلاع رسانی مناقصات" در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای احداث تصفیه خانه آب اضطراری شهر پردیس به ظرفیت (۱۵۰ لیتر بر ثانیه) به روش PC را با اطلاعات مشروحه ذیل به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

نام دستگاه مناقصه گزار:

شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران

موضوع مناقصه:

احداث تصفیه خانه آب اضطراری شهر پردیس به ظرفیت (۱۵۰ لیتر بر ثانیه) به روش PC

مدت اجرای کار: ۶ ماه

پیمانکاران واجد شرایط: دارای گواهینامه صلاحیت از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری که دارای رتبه ۴ در رشته تاسیسات آب و فاضلاب و رتبه ۵ رشته آب باشند می توانند در مناقصه شرکت نمایند. (به شرطی که دارای ظرفیت آماده به کار برای پروژه حاضر باشد)

تاریخ، مهلت، محل و مبلغ دریافت اسناد ارزیابی کیفی: از آگهی مورخ ۹۸/۰۷/۲۳ تا مورخ ۹۸/۰۸/۰۱ نسبت به خرید اسناد از طریق مهندسین مشاور طوس آب به نشانی: تهران- میدان فاطمی، میدان گلها، خیابان گلها، خیابان مرداد، کوچه دوم شرقی، کوچه ارشد، شماره ۳ ، شماره تماس: ۸۸۳۳۲۶۹۱ اقدام نمایند. قیمت اسناد برابر ۳۰۰/۰۰۰ ریال می باشد. مبلغ واریز شده، غیر قابل استرداد است.

تاریخ، مهلت و محل تحویل اسناد ارزیابی کیفی: پیشنهادها، باید حداکثر تا ساعت ۱۶ مورخ ۹۸/۰۸/۱۸ تحویل شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران به نشانی تهران، رودهن، بلوار امام، خیابان پاسداران، ساختمان ستاد، طبقه همکف، پلاک ۶۱ دبیرخانه، تلفن: ۷۶۵۰۳۱۱۷ تحویل و رسید دریافت گردد.

محل تامین اعتبار: از محل اعتبارات جاری تامین می گردد.

زمان و محل گشایش پاکات ارزیابی: زمان بازگشایی پاکات ساعت ۹:۳۰ مورخ ۹۸/۰۸/۱۹ نشانی: تهران- رودهن خیابان پاسداران، پلاک ۶۱ شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران، طبقه دوم دفتر قراردادها

شرکت آب و فاضلاب شرق استان تهران